

جهان پس از انتخاب ترامپ

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست

۱۳۷

۱۴ نوامبر ۲۰۱۶ - ۲۵ آبان ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

در دفاع از مردم موصل

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

نزدیک به یک ماه از جنگ و بمباران شهر موصل تحت عنوان "آزاد سازی موصل" میگذرد. عملیاتی که قرار است شهر موصل را از چنگ یکی از جنایتکارترین و وحشی ترین جریانات تروریستی-اسلامی رها کند و به حاکمیت دوساله داعش در این شهر پایان دهد. داعش را از موصل بیرون میکنند، اما دنیا شاهد کوتاه شدن دست تروریسم اسلامی و میلیتاریسم عربیان غرب به رهبری امریکا نخواهد بود. "عملیات آزاد سازی موصل" ممکن است ضربه ای سنگین به این باند جنایتکار بزند اما نه دامنه تروریسم آنرا محدود و نه خطر گسترش تروریسم و میلیتاریسم در دنیا را کم خواهد کرد.

همه شواهد حاکی از آن است که بخشی از نیروهای داعش به کمک دولت ترکیه و با توافق امریکا از موصل خارج شده و به مکانهای دیگری انتقال یافته اند تا در جغرافیایی دیگر آنرا موی دماغ جامعه کنند تا زندگی صدها هزار و میلیونها نفر دیگر را به تباهی بکشد. "عملیات آزاد سازی موصل" به سرکردگی امریکا، ادامه نزاع بین نیروهای ارتجاعی منطقه و دولت‌های امپریالیستی است و ربطی به نجات و آزادی مردم موصل از دست جانبدان داعشی ندارد. اهداف شرکت کنندگان در این جنگ از داعش تا دولت عراق، دولت اقلیم کردستان، ترکیه، عربستان، ایران و امریکا و... برای منافع خود در منطقه، بر سر نوشت و آینده خاورمیانه و توزان قوای نیروهای ارتجاعی در آن است. ... صفحه ۳

"تحلیلگران" انکار نمیکنند. اما این وضعیت نه مختص و نه محدود به آمریکا است. این نارضایتی عمومی به کلینتون در آمریکا و یا دیوید کامرون در انگلیس و دیگر روسای حکومتی در اروپا محدود نمیشود، این بی اعتمادی به سیستم حاکم، ساختارهای حکومتی و سیاستمداران چپ و میانه رو و راست، در هر دو سوی اقیانوس آتلانتیک، است. ... ←

پس از فراندم انگلیس انتخاب دونالد ترامپ "زمین لرزه" سیاسی دیگری بود که جهان را لرزاند. دونالد ترامپ، بیلیونر آمریکایی در میان موجی از ناباوری و "شوک" به کاخ سفید راه یافت. این واقعیت که انتخاب ترامپ نشانگر عمق بی اعتمادی و نارضایتی عمومی از وضعیت موجود است، را نه دولت، نه مخالفین آن و میدیا و

صورت مسئله عوضی است!

نوار عبداللہی

و سود بردن از گرده محرومین جامعه اند. معرکه "شفافیت دریافتی مدیران کشور" نه تنها ربطی به وضعیت وخیم اقتصادی مملکت ندارد، که یک حربه و کمپین سیاسی دولت بعنوان نماینده کل طبقه سرمایه دار ایران علیه خواست رفاه و بالا بردن سطح دستمزد طبقه کارگر است.

متوسل شدن به این سیاست بعنوان یکی از دلایل اوضاع وخیم اقتصادی اکثریت جامعه پوچ است. رشد و میزان ثروتی که در ایران تولید می شود، برای افزایش سطح رفاه و بهبود وضعیت اقتصادی طبقه کارگر برای چندین نسل کافی است. سرعت سرسام آور افزایش ثروت بورژوازی ایران و تعداد مالتی میلیاردرها در دل بحران اقتصادی خیره کننده است. این ها همه محصول همان کاری است که برای خرید اش باید سطح رفاه و توقع کارگر را پایین نگه داشت.

عبور از سیاست دولت مستلزم یک اعتراض محکم طبقاتی و یک اتحاد سراسری برای بالا بردن سطح رفاه و دستمزد است.

مطالبه یک کارگر کمونیست و آگاه، بالا بردن کیفیت سطح زندگی و دستمزد طبقه اش به اندازه دریافتی جناب ریس جمهور است.

"مجلس با کلیات طرح شفافیت دریافتی مدیران کشور و استرداد دریافتی‌های مازاد مخالفت کرد!" مخالفت یا موافقت با چنین طرحی زمین بازی طبقه کارگر و محرومین در جامعه ایران نیست. در این دو قطبی کاذب قرار است نه سیخ بسوزد و نه کباب! مبنای سطح رفاه و کیفیت زندگی انسان در جامعه به سطح مزد کارگر در آن جامعه بستگی دارد. سیاست طبقه کارگر باید بالا بردن سطح رفاه و دستمزدش به اندازه رفاه و دریافتی مدیران و مجلس نشینان باشد. دولت می خواهد فلاکت و معضل معیشت میلیونها انسان را به دریافتی های نجومی عده ای از مدیران حواله دهد، میخواهد به زبان بی زبانی و غیر مستقیم به کارگر بگوید که پرچم رفاه را پایین بکشد و به بخور و نمیر راضی شود. این در حالی است که همه مجلس نشینان "محترم" نه فقط لام تا کام از سطح دستمزد پایین کارگر و بالا بردن آن حرفی نمی زنند که خود شریک و ذی نفع در پایین نگه داشتن توقع کارگر

آزادی برابری حکومت کارگری

جهان پس از انتخاب ...

نتایج فراندم انگلیس و انتخابات امریکا عکس العمل جامعه سرخورده و به تنگ آمده از وعده های پوچ و دروغین بهبود اقتصادی، و از تحمیل بیش از یک دهه ریاضت اقتصادی و تعرض به معیشت و زندگی اکثریت محروم آن، بعنوان تنها راه حل گذار از بحران مالی و بانکی دهه اخیر است.

سرخورده‌گی که تا امروز خود را در عدم شرکت مردم در انتخابات‌های رسمی و یکسان شمردن "پیروز شدگان" و "شکست خورده‌گان" انتخابات‌ها نشان میداد. فراندم اخیر بریتانیا و انتخابات امریکا امکانی بود تا این سرخورده‌گی و بی اعتمادی را به شکل فعال آن، با رای عدم اعتماد به نمایندگان و سیاست احزاب سنتی در کنگره ها، پارلمان ها و دولت های خود، به نمایش بگذارد. امری که حتی نمایندگان بورژوازی به آن اذعان دارند.

اما برخلاف ادعای میدیای رسمی و تحلیلگران آن، این رای عدم اعتماد و "نه بزرگ" مردم به پیروزی "احمقان" بر "خبرگان" نیانجامیده است. آنچه که در این میان پنهان میشود حضور فعال بخش های اولترا راست و ارتجاعی بورژوازی در این پروسه است. جریاناتی که با سرمایه گذاری بر این نارضایتی عمومی و

گسترش یافته، با اتکا به اعتبار "آرا" مردم و با دامن زدن به "نیازهای خودی" و درون گرایی، سعی در امتیاز گیری از دیگر رقبای جهانی خود، دارد. نیروهایی که به نام "تقابل با ساختار موجود" با دامن زدن به ناسیونالیسم کور و فوق ارتجاعی، دفاع از "کشور و امنیت خودم" علیه هر عنصر خارجی و غیر بومی، آینده ای تاریک تر و ارتجاعی تر را ترسیم میکنند. نیروهایی که بنام کارگر، بنام رای مردم در انتخابات های "دمکراتیک"، با دامن زدن به فضای متعفن ضدکارگری، عقب راندن دستاوردهای کارگری و برابری طلبانه و انسانی بشریت را هدف قرار داده اند. جریانی که همزمان رسالت خود را مهار کردن این "نه بزرگ"، این نفرت و اعتراض عمومی مردم از سرمایه و سیستم حاکم، قرار داده است.

جناح پیروز در فراندم انگلیس و انتخاب ترامپ این جناح بورژوازی است که تلاش میکند در مقابل بی افقی و نبود هیچ الگو و مدل پیشروی اقتصادی و سیاسی در غرب، پس از پایان دنیای دو قطبی و شکست "نظم نوین جهانی"، جواب دهد. جناحی که به دنیای چند قطبی امروز و سهم خواهی رقبای بین المللی و حرکت "کند" سرمایه، معترض است. تقابل با "بوروکراسی" اروپای واحد، خواست

تجدید نظر و بازبینی در سیاستهای اوپاما در رابطه با چین و روسیه در خاورمیانه، نفت و حتی ناتو بخشی از تقابل است. تقابلی که عوامفریبانه خود را پشت اعتراض به ساختار و احزاب حاکم، و وعده بهبود وضعیت اقتصادی و زندگی بهتر برای مردم خود را مخفی میکند.

بدون شک متحقق شدن سیاستهای ترامپ در رابطه با چین، باجگیری از ژاپن، در رابطه با روسیه، رابطه با اسرائیل و پاسخ به مسئله فلسطین، نقش امریکا در خاورمیانه، رابطه با امریکا با ناتو و اتحادیه اروپا، تصمیمی یک جانبه از طرف امریکا نیست. در دنیای چند قطبی امروز پیشبرد و گرفتن هر امتیازی، حتی برای ژاندارم خودگمارده ای چون آمریکا، با مشکلات متعددی روبرو میشود و کشمکشهای جدی را میان قدرتهای اصلی بورژوازی جهانی بدنبال خواهد داشت.

پیروزی این جناح در بریتانیا و امریکا، هراس از جدالهای آتسی در صفوف بورژوازی جهانی، به خطر افتادن آرایش جغرافیای سیاسی- اقتصادی غرب، آنهم توسط نیروها و احزاب غیررسمی و کمتر "خودی" بورژوایی، ناشی گری، کوتاه نگری، اظهارات خارج از "نرم" و "افراطی گری" های آنها و جلو افتادن نیروهای حاشیه ای و نمایندگان چون ترامپ در امریکا، نایجل فراژ در

انگلیس و لوپین در فرانسه، است که احزاب سنتی و رسمی و در حکومت را شوکه کرده است.

دنیای پس از انتخاب ترامپ دنیای سیاه تری برای طبقه کارگر جهانی است. دنیایی که یک سوی آن تعرض وسیع به دستاوردهای طبقه کارگر و تحمیل عقبگردی عمیق و گسترده در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارزشهای اجتماعی به جامعه بشری است. و سوی دیگر آن ادامه جنگهای نیابتی و کشتارهای میلیونی در گوشه و کنار دنیا، است. همانطور که عروج و افول نظم نوین جهانی، به قیمت ویرانه شدن مدنیت و شیرازه جامعه در عراق ممکن شد.

امروز بیش از هر زمانی طبقه کارگر و بشریت متمدن به احزاب کمونیستی و کارگری که در مقابل تحمیل این عقبگرد و تعرض همه جانبه، در مقابل ناسیونالیسم کور و فوق ارتجاعی، سد ببندند نیاز دارد. حزب حکمتیست (خط رسمی) بعنوان بخشی از این صف کمونیستی و کارگری برای شکل دادن به این صف اتحاد طبقاتی علیه بورژوازی از هیچ کوششی کوتاهی نمی کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

۱۴ نوامبر ۲۰۱۶

مرکز بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

در دفاع از مردم موصل...

هنوز شهر موصل در چنگ داعش است اما جنگ و جدال بر سر آینده عراق و منطقه و بر سر موصل و سهم و جایگاه هر کدام از نیروهای درگیر در این جنگ شروع شده است. دولت‌های مرتجع منطقه و نیروهای درگیر در این جدال خود را برای جنگی بمراتب بزرگ تر و ترسناکتر آماده کرده اند و تلاش میکنند با زدن مهر هویت‌های کاذب قومی و ملی و مذهبی بر پیشانی مردم عراق و منطقه، آنان را به گوشت دم توپ این جدال ارتجاعی تبدیل کنند.

برخلاف ادعاهای موثلفین مبنی بر جنگی کوتاه و چند روزه و متکی بر آخرین تکنولوژی لیزری، مردم موصل هنوز زیر بمباران های زمینی و هوایی نیروهای ائتلاف و همزمان از ترس داعش و انفجار مین ها و تیراندازی و احتراق چاههای نفت و... امکان خروج از شهر را ندارند و در خانه های خود هر روز و هر ساعت در انتظار مرگ اند. مردم اسیر در موصل راه فرار و شانس نجات از مهلکه "آزد سازی موصل" را ندارند. هیچ خبری از آنچه بر آنها رفته است و میرود به گوش جهانیان نمیرسد. میدیای رسمی در توافقی آگاهانه سکوت کرده اند و هیچ خبرگزاری مستقلی حق حضور در منطقه را ندارد. قرار است این توحش در سکوت و زیر دیوار زخیم سانسور "جهان متمدن" به سرانجام برسد. در عملیاتی که به نام "آزادی"

موصل و مردمش در جریان است، شهر موصل نابود و مردم آن وسیعاً کشتار میشوند. قرار است مردمی که از این مهلکه جان سالم بدر برند به خیل عظیم آوارگان جنگی بی پناه، مستاصل و بی اراده و نیازمندان "کمک های بشردوستانه" غرب تبدیل شوند. مردمی که هست و نیست شان تحت نام "عرب" و "سنی" و... تباها شده، اراده و حرمت آنها خرد شده است. عملیات "آزادی موصل" و عواقب دهشتناک آن زمینه را برای سو استفاده هر نیروی جنایتکاری و سربازگیری از قربانیان این جنگ مهیا میکند.

امروز نجات مردم موصل از جهنم و توحش داعش و همزمان ممانعت از کشتار جمعی آنها توسط بمبارانهای نیروهای ائتلاف مهمترین وظیفه بشریت متمدن و جریانات آزادیخواه است. برای مقابله با طرحهای ارتجاعی دولت‌های منطقه و انواع باندهای اسلامی، قومی و جنایتکار، برای ممانعت از تخاصمات و جنگهای بعدی در خاورمیانه باید علیه کشتار وسیع امروز مردم موصل ایستاد. باید بشریت متمدن در عراق و منطقه علیه بمباران مردم موصل به میدان بیایند.

هرنوع حمایت یا تأیید این عملیات به نام مبارزه با داعش و به نام نجات مردم موصل از توحش و جنایات داعش، قرار گرفتن در کنار یکی از قطبهای ارتجاعی درگیر در این جدال است. بشریت آزادیخواه ناچار به انتخاب یکی از قطبهای ارتجاعی

درگیر در این جنگ نیست.

راه مبارزه با داعش و نجات بشریت از دست این باند جنایتکار، بمباران فرشی شهر موصل با یک و نیم میلیون انسان اسیر و گروگان گرفته از جانب طرفین جنگ نیست. این مبارزه با تروریسم نیست، این خود تروریسمی رسمی علیه مردم است. این خود تقویت زمینه هایی ارتزاق داعش و انواع باندهای تروریستی و جنایتکار قومی و مذهبی است. این توحشی است که علاوه بر کشتار

مردم و ویرانی موصل، هر نوع اراده مستقل و هر نوع حس مبارزه جویی و اعتماد به نفس را از زنده مانده های مردم موصل و کل مردم عراق برای مقابله با داعش و کل جنایتکاران جنگی را خواهد گرفت. خشکاندن ریشه جریانات جنایتکاری چون داعش در گرو خشکاندن شکاف ها و هویت تراشی های کاذب، در گرو مقابله با نفاق های قومی و مذهبی و باندهای قومی-مذهبی و در گرو ... ←

برابری زن و مرد؛**ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت**

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند.

یک دنیای بهتر - برنامه حزب را بخوانید!

قدرت طبقه کارگر در مخرب و تشکله اوست!

در دفاع از مردم موصل ...

باید قطع شود.

نیروهای ائتلاف و همه دول درگیر در این عملیات مسئول زندگی و سلامت مردم موصل، مسئول امنیت و حرمت آنان اند. فراهم آوردن امکانات برای خروج مردم از این کشتارگاه و انتقال آنان به مکانی امن ابتدائی ترین وظیفه آنها است. تلاش برای بسیج مردم در عراق و در کردستان عراق در دفاع از مردم موصل و در محکومیت بمباران شهر و محل کار و زندگی آنها وظیفه هر نیروی متمدن، شرافتمند و رادیکالی

است. مردم موصل امروز بیش از هر زمانی به این تلاش و به این همسرنوشتی نیاز دارند. کمونیستها و زنان و مردان آزادیخواه باید مبشر تقویت این همسرنوشتی و سازمان دادن مردم آزادیخواه در نجات مردم بیدفاع موصل باشند. این جنبشی است که میتواند با کوتاه کردن دست دولتهای مترجع و تروریسم منطقه و اهداف دولتهای امپریالیستی و افشای انگیزه جنایتکارانه آنها از سر زندگی مردم در خاورمیانه، به مردم منطقه امکان

دهد که علیه داعش و هر جریان جنایتکار دیگری به میدان آیند و خود را از شر آنها نجات دهند. وظیفه مردم متمدن، نیروهای چپ و رادیکال، اتحادیه های کارگری و هر جریان و نهاد انسان دوست در سراسر جهان است که علیه بمباران و کشتار وسیع مردم موصل به نام "آزادی" آنها اعتراض کند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶

امنیت؛

بخشی از منشور "رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

- حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میداند.

- حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

- با این وجود مادام که نیروهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

- ۱- اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.
- ۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.
- ۳- نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.
- ۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.
- ۵- لغو دیپلماسی سری
- ۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه
- ۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی.

شرایط و اهداف حزب حکمتیست

حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!